



انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین

طوفان الاقصی؛ تأثیر گذار یا تعیین کننده

یادداشت فصل

در تقابل میان یک ارتش کلاسیک همچون IDF (نیروهای دفاعی اسرائیل) و گروه شبه نظامی حماس، اگر ارتش کلاسیک پیروز نشود، شکست خورده است و اگر گروه شبه نظامی شکست نخورد، پیروز شده است.

در این نوع از تعریف پیروزی در جنگ، هدف ارتش کلاسیک و توان رزم آن تعیین کننده است. در واقع رژیم صهیونیستی با دریافت ضربه هفت اکتبر در تقابل با مقاومت در غزه، نابودی حماس و آزادی اُسرا را به عنوان مهمترین هدف خود اعلام کرد و هم اکنون پس از دو بیست روز جنگ (زمان نگارش مقاله)، به این هدف نائل نشده است و مقاومت در غزه نیز ضمن وارد کردن ضربه سهمگین هفت اکتبر، ضربات متعددی را دریافت کرد ولی رژیم را در رسیدن به هدف خود ناکام گذاشت.

در ارزیابی این جنگ نابرابر و در عین حال نامتقارن، واقعیت صحنه حاکی از ناکامی رژیم و پیروزی مقاومت حداقل در این مقطع از جنگ است. در این ارزیابی ناگزیر از احصاء توان و تنگنای حماس به عنوان مهمترین جریان مقاومت در غزه با تصور این که در جنگ پیروز شده، می‌باشیم.





تنگناهای حماس و مقاومت

۱. به غیر از سه روز اول جنگ با آن موضع تهاجمی، تاکنون آرایش گروه‌های مقاومت در غزه و به ویژه حماس، پدافندی یا تدافعی است. بدین معنا که رژیم در ابتدا نیروهای حماس و مقاومت را از اراضی ۱۹۴۸ به غزه راند و پس از تثبیت مرزها با تهاجم زمینی وارد نوار غزه از ناحیه شمال این منطقه گردید و ظرف این دویست روز از زمین و هوا و دریا گروه‌های مقاومت را زیر ضربات همه‌جانبه خود قرار داد.
۲. علاوه بر پدافندی بودن موضع حماس، مسلم است که گروه‌های مقاومت و حتی اجزاء محور مقاومت (ایران، حزب‌الله، یمن، گروه‌های مردمی عراق، حماس و جهاد) خواهان پایان جنگ و آتش‌بس باشند؛ یعنی در مقابل تهاجم همه‌جانبه رژیم، موضع ضعف و انفعال داشته و برای جلوگیری از تحقق هدف نابودی حماس و خسارات بیشتر، خواهان توقف جنگ باشند.
۳. مردم مسلمان و مظلوم غزه در این جنگ بیشترین خسارت و ضربه را دریافت کردند. آنها شهدای فراوانی تقدیم مقاومت کرده و نزدیک به سه برابر آن مجروح داشتند و خانه‌های آنها ویران و تأسیسات زیربنایی نابود شده و در فصل سرما و بعد از آن، از اسکان، معیشت و بهداشت و حداقل آب و خوراک محروم هستند.
۴. هم گروه‌های مقاومت و هم مردم غزه در محاصره شدید و همه‌جانبه قرار دارند و امکانات اولیه به هیچ عنوان اجازه ورود به نوار غزه را ندارد و اندک ورود غذا و دارو نیز کفاف نیاز شدید مردم در این زمان را ندارد و مقاومت نیز صرفاً از اندوخته‌های خود بهره‌مند است.
۵. گروه‌های مقاومت در غزه از کمک و یاری مردم فلسطین در اراضی ۱۹۴۸، کرانه باختری و آوارگان خارج از فلسطین، مردم مسلمان و عرب در سایر کشورها محروم هستند و انتظارات برای پیوستن به صفوف نبرد در قالب انتفاضه هم برآورده نشد.
۶. دولت‌های عربی و اسلامی به عنوان مدعیان حمایت از آرمان آزادی فلسطین اقدامی متناسب با الزامات صحنه نبرد حتی در کمترین سطح بروز ندادند و با توجه به انتظار موجود حاضر به قطع روابط محدود با رژیم هم نشدند. در واقع آنها با داشتن روابط اقتصادی و تأمین انرژی رژیم نه تنها در مسیر بقای رژیم قدم برداشته‌اند، بلکه مقاومت را دچار تنگنای جدی کردند و با گستاخی فراوان از احیای روند عادی‌سازی پس از جنگ سخن می‌گویند.
۷. هیچ یک از سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی هم توان مقابله با اقدامات ددمنشانه رژیم را ندارد و برای چندمین بار ثابت شد که این سازمان‌ها بی‌خاصیت‌تر از هر دوره‌ای هستند؛ به گونه‌ای که حتی دبیر کل سازمان ملل در عین خوش درخشیدن اولیه در حمایت از مردم

در تقابل میان یک ارتش کلاسیک همچون IDF (نیروهای دفاعی اسرائیل) و گروه شبه‌نظامی حماس، اگر ارتش کلاسیک پیروز نشود، شکست خورده است و اگر گروه شبه‌نظامی شکست نخورد، پیروز شده است

فلسطین، با فشار صهیونیست‌ها سکوت اختیار کرده و حتی شفاهاً نیز از این همه جنایت گله نمی‌کند. رأی کم‌اثر و کم‌رمق دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه نیز انتظارات فراوان برای محکومیت نسل‌کشی و توقف و آتش‌بس جنگ را بر آورده نکرد؛ اگرچه این اقدام شایسته تقدیر است.

۸. قدرت‌های جهانی و به ویژه امریکا با کمک‌های نظامی - سیاسی از رژیم، عملاً علیه مردم فلسطین اقدام کرده و مقاومت را تضعیف می‌کنند.

امتیازهای حماس و مقاومت

۱. به رغم فشار سنگین و همه‌جانبه به مردم نوار غزه تاکنون مخالفت مردمی برای ادامه مقاومت وجود نداشته است؛ البته این به معنای نبود مخالفت نمی‌باشد ولی همراهی مردم حداقل در شرایط حساس فعلی را نشان می‌دهد که در جای خود باید مورد تقدیر و توجه قرار گیرد.

۲. آزادگان جهان به ویژه در کشورهای غربی و امریکایی تظاهرات و اعتراضات فراگیر و مستمری در مخالفت و محکومیت جنایات صهیونیست‌ها داشته‌اند. این خیزش و خروش جهانی به صورت مستقیم بر عملکرد رژیم تأثیر ندارد ولی باعث شده است که دولت‌های غربی به دلیل فشار ناشی از افکار عمومی به رژیم فشار آورده و برای حفظ ظاهر در صدد مدیریت این مخالفت‌ها بر آیند.

۳. محور مقاومت حمایت خود در حد مقدرات را به صورت بازدارنده در جبهه‌های جنوب لبنان و بعضاً سوریه و تا حدی در عراق و به شکلی گسترده در یمن و در این اواخر در ایران به کار گرفته است تا از موجودیت حماس حفاظت کند. به نظر می‌رسد که مقاومت در غزه با استظهار به این حمایت است که می‌تواند به موجودیت خود و مبارزه با رژیم ادامه دهد.

۴. مقاومت در نوار غزه به نسبت رژیم صهیونیستی، اطلاع دقیق و جامع‌تری نسبت به زمین‌نبرد دارد و با آن مأنوس بوده و از آن به عنوان یک برتری، حداکثر استفاده را کرده است ولی ارتش رژیم بعد از خروج از غزه و برچیدن شهرک‌های یهودی‌نشین در زمان آریل شارون در سال ۲۰۰۴، در جریان تغییرات صورت گرفته در دوره حاکمیت مقاومت و حماس در این منطقه قرار ندارد و با محیطی ناآشنا برای مبارزه مواجه است.

۵. بنابراین ادعای مقامات مقاومت، پیش‌بینی لازم برای تدارک بلندمدت جنگ با رژیم وجود





دولت‌های عربی و اسلامی به عنوان مدعیان حمایت از آرمان آزادی فلسطین اقدامی متناسب با الزامات صحنه نبرد حتی در کمترین سطح بروز ندادند و با توجه به انتظار موجود حاضر به قطع روابط محدود با رژیم هم نشدند

دارد و به همین دلیل با گذشت دوپست روز از یک جنگ سخت، کماکان شاهد به کارگیری موشک‌های دوربرد و به ویژه هدف قرار گرفتن تل‌آویو و شهرک‌های اطراف نوار غزه از سمت غزه هستیم.

۶. مقاومت و حماس در این جنگ با توجه به تجهیزات پیشرفته دشمن، سلاح و توان خود را بومی کرده است تا از این طریق در این نبرد نامتقارن توفیق یابد.

الف. ساخت موشک ضدتانک یاسین ۱۰۵ و وارد کردن ضربات مهلک به تانک‌های نسل چهارم کاوا با امکانات حفاظتی (تروفی)

ب. تنوع ساخت و به کارگیری موشک‌های زمین به زمین با قابلیت توان مقابله با گنبد آهنین.

پ. احداث بیش از ۷۰۰ کیلومتر تونل با هدف استفاده از آن برای انبار تسلیحات، آذوقه، استقرار و استراحت نیروهای رزمی و نگهداری اسرا و ستادهای عملیاتی، سایت‌های پرتاب موشک و...

۷. بهره‌مند بودن مقاومت از نیروهای زبده و بانگیزه که در این مدت، نشان ضعف و کاستی در آنها دیده نمی‌شود. در حالی که نیروهای دفاعی رژیم با وجود تیپ‌های شناخته‌شده‌ای همچون گولانی با آموزش‌های کلاسیک به زبده‌گی نیروهای مقاومت در جنگ پارتیزانی و چریکی نمی‌رسند و حتی انگیزه بسیار کمتری به نسبت نیروهای مقاومت دارند.

۸. هم‌اکنون اوضاع بین‌المللی هم به نفع حماس است؛ چراکه امریکا به دلیل درگیر بودن در جبهه چین و روسیه و جنگ اوکراین و انتخابات ریاست‌جمهوری که پیش رو دارد، خواستار گسترش و ادامه جنگ نمی‌باشد.

۹. اختلافات داخلی در رژیم هم در حال اوج‌گیری است و اعتراضات ۳۹ هفته‌ای روزهای شنبه قبل از طوفان الاقصی هم‌اکنون با اضافه شدن مطالبه خانواده اسرا برای آزادی اعضای خانواده خود، باعث شده است که بنیامین نتانیاهو در مدیریت جنگ و تحقق اهداف خود دچار مشکل شود و مخالفان به لیست مطالبات خود، انتخابات زودرس را نیز افزوده‌اند.

۱۰. وجود ۱۳۲ اسیر یهودی و صهیونیست نزد حماس و گروه‌های مقاومت باعث شده است که رژیم برای توقف یا ادامه جنگ دچار تردید شود.

گسترش ناپذیری جنگ

به نظر می‌رسد که با توجه به سیاست اعلانی طرف‌های درگیر، امریکا و قدرت‌های غربی به عنوان حامی رژیم و از سوی دیگر جبهه مقاومت به عنوان حامی حماس و گروه‌های مقاومت در غزه، خواهان عدم گسترش جنگ و پایان آن هستند. کاملاً مشهود است که رفتار حامیان دو طرف عمدتاً بازدارنده و مبتنی بر خویشن‌داری است و اگر قدرت‌ها و به ویژه امریکا و رژیم با توجه به امتیازات و درایت‌های راهبردی حماس و مقاومت و تجربه دوپست روزه جنگ بپذیرند که موفقیت حاصل نخواهد شد، جنگ خاتمه خواهد پذیرفت؛ چرا که جبهه مقاومت به هیچ عنوان در عین عدم پذیرش گسترش جنگ از حفظ موجودیت مقاومت در غزه به عنوان یک جای پای راهبردی و پایگاه استراتژیک نخواهد گذشت.

همچنین زرمه حمله رژیم به لبنان که ظرف چند ماه گذشته افزایش یافته است، اگرچه درصدی احتمال وقوع دارد ولی صرفاً با ایجاد بازدارندگی برای اقدام نهایی در غزه ارزیابی می‌شود تا بازگرداندن امنیت و آوارگان یهودی به شمال.

حمله همه‌جانبه پهبادی و موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی، اگرچه از موضع اقتدار صورت گرفت ولی در واکنش به حملات نظامی و اقدامات امنیتی بود که رژیم ظرف چند ماه اخیر انجام داده بود و به نحوی ایران به دنبال حفظ و تعمیق بازدارندگی خود به عنوان رهبر جبهه مقاومت بود.

آسیب‌شناسی کارزار طوفان الاقصی

۱. نادیده گرفتن نقش تعیین‌کننده مردم؛ به تجربه ظرف ۷۵ سال گذشته ثابت شده است که دولت‌ها و گروه‌ها نمی‌توانند منفصل از خواست، اراده و حضور مردم به عنوان عامل تعیین‌کننده، در وصول به آرمان آزادی قدس شریف موفق باشند.

مقاومت برای مردم و حضور آنها باید یک نقش تعیین‌کننده ترسیم کند و نه صرفاً تأثیرگذار. مردم مقاوم غزه در طوفان الاقصی مشارکت جدی ایثارگرانه داشتند ولی این مشارکت منفعلانه بود. در حالی که برای تحقق آرمان آزادی قدس شریف، از ظرفیت مردم نه فقط در غزه بلکه در اراضی ۱۹۴۸ و کرانه و حتی آوارگان خارج از فلسطین باید استفاده کرد و از مشارکت فعالانه آنها برای این هدف بزرگ بهره برد. آن گونه که به صورت مستمر و فراگیر در انتفاضه ۱۹۸۷ شاهد بودیم و متأسفانه با ترفند کنفرانس مادرید در آغاز دهه نود میلادی به انحراف رفت.

بدیهی است که رهبری واحد برای استفاده از تمام ظرفیت‌ها، لازمه استفاده از مشارکت



جبهه مقاومت به هیچ عنوان در
عین عدم پذیرش گسترش جنگ
از حفظ موجودیت مقاومت
در غزه به عنوان یک جای پای
راهبردی و پایگاه استراتژیک
نخواهد گذشت

فعالان مردم است که نهضت فلسطینی از همان ابتدا
با این فقدان مواجه بوده و ناگزیر از ایجاد آن از طریق
وحدت می‌باشد.

۲. مقاومت فلسطین ظرف ۷۵ سال گذشته
درس‌های فراوانی گرفته و هزینه‌های زیادی پرداخته
است. با علم به این که غده سرطانی اسرائیل با حمایت
جهانی از صهیونیسم شکل گرفته است، باید در مقابل این معضل جهانی، تدارکی جهانی دید.
بنابراین باید در ابتدا اتفاق بر سر هدف، راهبرد و نهایتاً اقدام مشترک در میان مبارزان مسیر
آزادی قدس شریف نهادینه و فراگیر شود.

هدف گذاری‌های مبهم، راهبردهای اشتباه و اقدامات متفرق و جدا از هم، یقیناً نتیجه‌بخش
نخواهد بود و در این کارزار لایه اول و پیشانی خط مقدم تمام مردم فلسطین در داخل و
آوارگان در خارج و سپس اعراب و در نهایت مسلمانان و لاجرم آزادگان در سراسر جهان
هستند و باید به این شکل از مبارزه با معضل و مسئله جهانی صهیونیسم، اعتقادی راسخ و
استوار و مستمر داشته باشند؛ به ویژه در زمانی که ضعف رژیم و حامیان آن از جمله امریکا،
انگلیس، فرانسه و دست‌نشانده‌ای چون پادشاه اردن نیز در مقابله با حمله موشکی و پهپادی
جمهوری اسلامی ایران در ۲۶ فروردین به جهانیان ثابت شد و امید به توانایی جبهه مقاومت
برای نابودی قریب‌الوقوع رژیم بسیار افزایش یافت.

سرویس فلسطین

